

ویژه نامه

نگاه

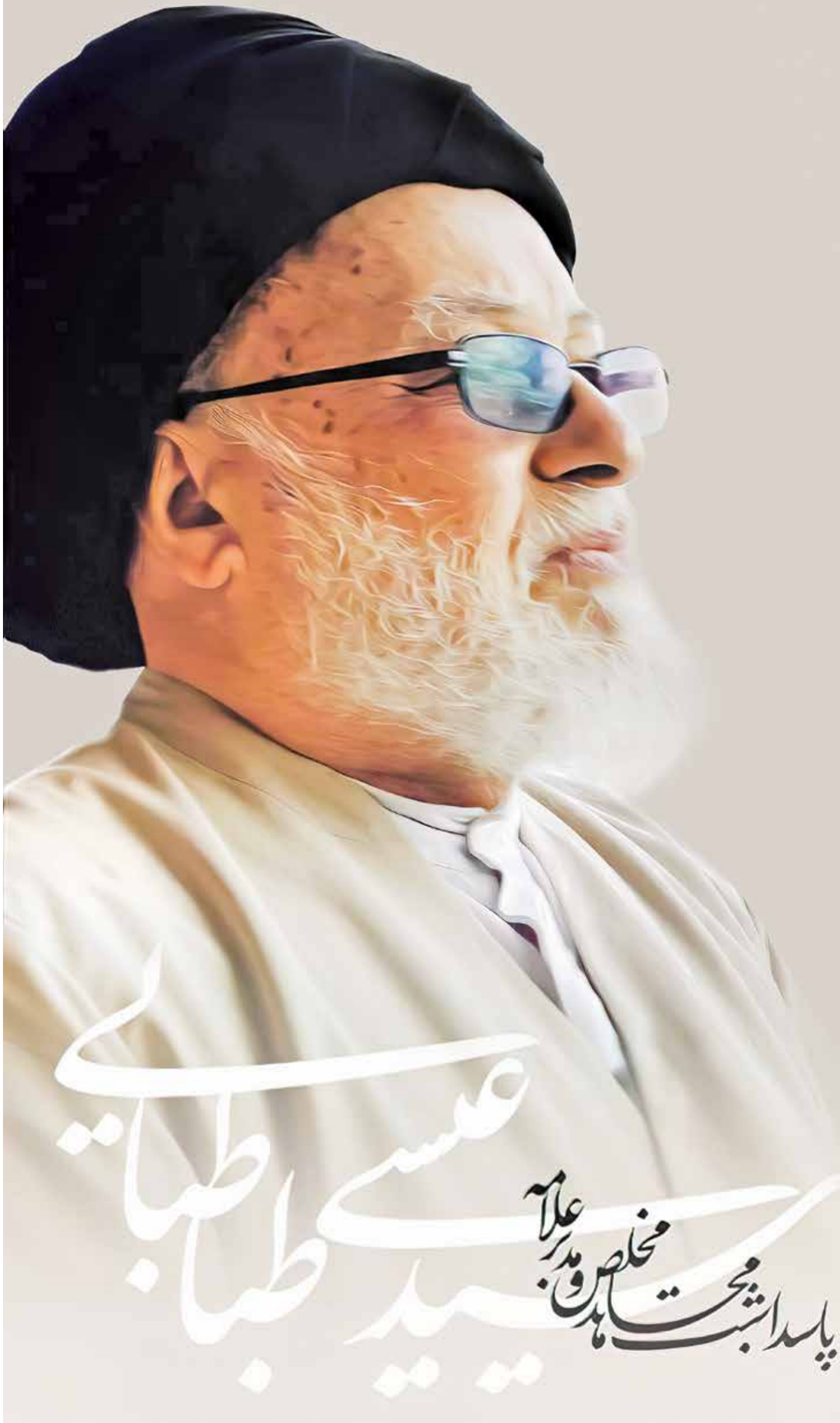
برش هایی از زندگی سید عیسی طباطبایی از زبان فرزندش سید علی طباطبایی

● پدر او سید علی اصغر طباطبایی دامغانی از خواص و شاگردان میرزا آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود. لذا پدرمان به همراه خواهر خود که دو سال از وی بزرگتر است از ابتدای ولادت به مدت چهار سال یعنی تا زمان رحلت آسید ابوالحسن اصفهانی در کنف کفالت ایشان نزد مادر خود در نجف به سر می بردند. به قول پدر دست قضا و قدر یا سوء تدبیر مادر و فامیل مادری بعد از ارتحال آن آیت عظمی در سال ۱۳۲۶ شمسی، آن دو را نیز از دست مادر جدا کرد و مرحوم عمویشان سید علی اکبر طباطبایی دامغانی فاضل و دانشمند و واعظ شهیر خطه دامغان و گرگان و مازندران به همراه عمه به عتبات آمده و آن دو را به ایران برده و به مدت ۱۱ سال تحت تکفل خود بزرگ کردند.

● مرحله نخست طلبگی پدر در دامغان در سن پانزده سالگی و در زمان حیات آیت الله میرزا آقا سید محمد ابوترابی در مدرسه خود ایشان آغاز شده و ایشان علاوه بر عمومی بزرگوارشان که اعتنایی بالغ و ویژه به آموزش و تربیتشان داشته به مدت دو سال از اساتید خوب آن خطه همچون سید مسیح شاهچراغی و شیخ محمد رضا خدایی استفاده کرده است. او سپس به توصیه عمومی خود به همراه پسر عمو برای تحصیل عازم قم شد و در ادامه عازم کرمانشاه شد. در این شهر نزد عالمان سرشناسی چون شیخ حسین امینی شاهرودی، امام سدهی، اصفهانی جلیلی کرمانشاهی و شهید محراب اشرفی اصفهانی که به دست ایشان هم معمّم شدند شاگردی کرده و با بهترین طلاب همگام در تهذیب و تهجد بهترین ایام نوجوانی را سپری کردند.

● پدر مضاف بر پیشرفت در تحصیل در اثر همنشینی و ارتباط صمیمانه با بزرگان و روحانیان والامقامی چون آیت الله نجومی و آیت الله حاج ابوتراب و استاد عرفان حاج شیخ مصطفی حاج آخوند و آیت الله سید هرسینی و سید مجتبی معصومی دوره کرمانشاه را سر آغاز تعبد و نماز شب و بیداری بین الطلوعین می داند که در مدرسه شان (مدرسه آقا یعنی مدرسه آیت الله بروجردی) بسان معبدی اغلب اوقات شبانه روز به روی نمازگزاران و عبادت کنندگان باز بوده و شبها خالی از متعهد نبوده است. او این دو سال را از بهترین ایام عمر خود و تولدی دیگر می شمارند که چشمشان به عالم آزاد و باز و مستقل در فکر و تصمیم گشوده شده است. در همان کرمانشاه بود که پدر خواب می بیند بر اسب سفید ذوالجناحی سوار و در آسمان، بدون ترس و نگرانی به سوی مغرب پرواز می کند.

● پدر به ساحت عرفای کامل و عاشقان و دلسوختگان کوی توحید و ولایت ارادت خاصی دارند و به قول ایشان از ایام نجف، شخصیت عرفا و عظمت روحانی آنها برای او دوست داشتنی بود. پدر می گوید که در اوایل طلبگی در نجف اشرف در جریان مداومت به رفتن به مسجد سهله در شب های چهارشنبه هر هفته، از طریق یکی از زهاد با جناب سید هاشم حداد آشنایی و ارتباط پیدا می کنند و رفت و آمد به مسجد سهله در طول سال و در گرما و سرما ادامه داشته است تا اینکه نامه ای به شهید محراب آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب شیرازی می نویسد و آن مرحوم پدر را به شیخ عباس قوچانی وصی سید علی قاضی



پدر بخت مخلصه سید طباطبایی